

رساله ایست که در شرح حدیث « العلم سبعة و عشرون حرفاً » در جواب آقا سید اسد الله گندم پاک کن مرقوم فرموده:

بسم الله ذی العزّ و الجلال

پس از ادای حمد و ثنا در ساحت کبریا و عرض شکر و سپاس در محضر اقدس سلطان ملکوت اسماء المتجلی بطراز العبودیّة فی عالم الانشاء لله ربّ الارض و السّماء، خدمت زائر آستان مبارک، جناب آقا سید اسدالله، ایدہ اللہ تعالیٰ علی ما فیہ عزّه و کرامته و وقّہ علی ما به ارتقائه و سعادتہ، عرض می شود که در خصوص حدیث شریف حضرت صادق علیه السّلام که در کتاب مستطاب ایقان عزّ نزول یافته است و عین حدیث اینست: « العلم سبعة و عشرون حرفاً فجميع ماجائت به الرّسل حرفان و لم يعرف النّاس حتّی الیوم غیر الحرفین فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة و العشرین حرفاً»، یعنی علم بیست و هفت حرف است، پس جمیع آنچه پیغمبران به آن آمده اند (یعنی اظهار فرموده اند) دو حرف است، و مردم ندانسته اند تا امروز غیر دو حرف را، پس چون قائم ما قیام فرماید بیست و پنج حرف دیگر را ظاهر نماید و بیرون آورد. این خلاصه ی ترجمه ی کلام امام علیه السّلام است. و فرمودید که جناب نایب رضا قلی خان، ایدہ اللہ تعالیٰ علی خدمتہ امره فی ظلّ لواء عهده، خواهش داشتند که آن جناب از محضر اقدس حضرت مولی الوری، ارواح المقربین له الفداء، تفسیر حدیث شریف را رجا نماید، ولی چون شما اشغال شاغله و اعمال محیطه ی حضرت مولی العالمین را به رأی العین ملاحظه نموده اید تجاسر به عرض نموده و از این عبد ضعیف تفسیر حدیث شریف را خواهش فرموده اید. اگرچه این عبد را امراض عدیده علاوه از حاضر نبودن کتب لازمه ی حدیثیه مانع است که از عهده ی شرح و تفسیر حدیث مبارک کما ینبغی برآید، مع ذلک امر آن جناب را اطاعت می نماید و تفسیر حدیث را علی سبیل الاختصار معروض می دارد، و بالجمله مقصود امام علیه السّلام از این عبارت بیان اعظمت یوم اخیر است از ایام ظهورات ماضیه من جمیع الجهات و چون اعظم اسباب ترقی امم علوم و معارف است آن حضرت وسعت دائره ی علم را میزان اثبات اعظمت یوم ظهور قائم موعود مقرر فرمود و به این بیان لطیف اهل فؤاد را مستبشر نمود که انوار شمس حقیقت در آن روز فیروز بیست و پنج درجه از ایام گذشته بیشتر افاضه می شود و امطار رحمت از سمای عنایت از زمان پیغمبران سابق افزون تر نازل گردد، چنانچه اگر اهل بینش و بصارت در آثار این ظهور اعظم و آثار ظهورات ماضیه منصفانه نظر نمایند بر اعظمت ظهور مبارک و صدق حدیث شریف شهادت دهند و به شکر و سپاس الهی در ورود یوم موعود قیام کنند و این معنی در احادیث کثیره از ائمّه ی هدی علیهم اطیب الثّحیة و الثّناء، وارد شده است، و لکن هجوم امراض مزمنه ی متعدّده و لزوم اطاعت امر اقدس در اتمام ردّ اعتراضات نفوس غافله اکنون مانع از بسط کلام است. در این مقام اگر عنایات محیطه ی بدیعه ی حضرت مولی الوری عبدالبهاء و بهاء من فی ملکوت الانشاء مساعده فرماید. این سخن را ترجمه ی پهناوری گفته اید در مقام دیگری و از جمله احادیث دالّه بر این معنی حدیث دیگر است که نیز در کتاب ایقان نقلاً عن کتاب العوالم تألیف الشیخ عبدالله بن نورالله البحرینی عزّ نزول یافته است که امام علیه السّلام فرمود: « لکلّ علم سبعون وجهاً لیس بین النّاس الا واحد و اذا قام القائم بیث باقی الوجوه بین النّاس»، یعنی هر علمی را هفتاد وجه است و بین ناس نیست جز یک وجه آن و چون قائم قیام فرماید باقی وجوه آن را در میان مردم نشر دهد و بگسترده و هم از جمله احادیث دالّه بر این معنی این حدیث شریف است که در باب سیر و احوال حضرت موعود از مجلد غیبیت بحار الانوار وارد شده است که حمران از حضرت ابی جعفر علیه السّلام روایت نموده است که آن حضرت فرمود: « کائی بدینکم هذا لایزال مولیاً یفحص بدمه ثم لایردّه علیکم الا رجل منّا اهل البیت فیعطیکم فی السنّة عطائین و یرزقکم فی الشّهر رزقین و تؤتون الحکمة فی زمانه حتّی انّ المرئہ لتقضی فی بیثها بکتاب الله و

سنة رسول الله»

اگرچه در هر شطر این حدیث شریف بحری از علم مکنون است که کشفش مرهون به وقت و فرصت است ولی خلاصه‌ی ترجمه‌ی آن اینست که می‌فرماید کانه می‌بینم که این دین شما پیوسته پشت می‌دهد و در خون خود دست و پا می‌زند، پس از آن بر نمی‌گرداند به سوی شما آن را مگر مردی از اهل البیت که هر سالی دو بار به شما عطا می‌دهد و در هر ماهی دو مرتبه رزق به شما عطا می‌فرماید و در زمان ظهور او حکمت و دانش بر شما نازل می‌شود، چندان که زن در خانه‌ی خود به کتاب خداوند و روش و سنت فرستاده‌ی او حکم می‌نماید، و مأخذ جمیع این احادیث صحیح و اخبار وارده در وسعت دائره‌ی علوم و معارف آیه‌ی مبارکه‌ی «و اشرققت الارض بنور ربّها» ست که در سوره‌ی مبارکه‌ی زمر عزّ نزول یافته‌ است و صریح است در اینکه در یوم منتهی که معبر است به ایام الله، روی زمین از نور حضرت ربّ العالمین روشن و مُشرق گردد، و این نکته بر اهل نظر معلوم است که مقصود خداوند تبارک و تعالی روشنی روی زمین به ضیا و نور آفتاب ظاهر نیست، چه از بدو خلقت هر بیست و چهار ساعت روی ارض به انوار آفتاب ظاهر مُشرق و منور شود اختصاص به یوم موعود ندارد، بل مقصود نور مُشرق ساطع از شمس حقیقت یعنی مظهر امر حضرت ربّ العزه است و آن نور علم و ضیای معرفت و سطوع پرتو عدل و امنیّت و لمعان فنون و شئون مدنیّت و انسانیّت حقیقیّه‌ی غیر مشوبه به ظلمت جهالت و دنائت است که جز از سمای الوهیّت نازل نشود و جز از مظهر امرالله ساطع نگردد و غیر این اشعه‌ی مبارکه عالم را از ظلمات همجیّت و مصائب قتل و غارت و رذائل توحّش و شرارت نرہاند.

ملاحظه فرما اکنون تقریباً از یوم ظهور نقطه‌ی اولی‌الی‌یوم اشراق آفتاب جمال اقدس ابھی، الی‌یوم مبارک تجلی شمس عهد و اشراق میثاق سنی اسنی، هفتاد سال است که قلم الهی متحرک است و امطار تعلیمات ربّانیّه هائل و منہم و این واضح است که این آثار مبارکه امطار سماویّه است که موجب نصرت و طراوت عالم انسانی گردد و موجد سرسبزی زهور و ریاحین فضائل و مناقب آدمیّت شود، بطون مخزونه آیات کتب مقدسه از آن ظاهر آید و صدق ظواهر آیات فرقانی که جهل اهل عمائم موجب شکوک عامّه گشته بود ظاهر و هویدا گردد، آداب حسنه تأسیس یابد و قوانین عادلّه مؤسس شود، عقاید باطله‌ی موهومه‌ی مخترعه زوال گیرد و به جای آن عقاید صحیحہ‌ی منطبقه علی‌العقل الصّحیح و الدّوق السّلمیّ ثبوت و رسوخ یابد، و خلاصه القول جهان از مشرق تا مغرب طراز جدید جوید و علوم و معارف تمام کره‌ی ارض را احاطه نماید. روان بیدل شاد باد که فرمود:

یا رب جهات امکان لبریز خرمی باد زین نشاه‌ی مقدّس زین نفخه‌ی مخّم

و اگر اهل نظر در آثار نازله از قلم قدّم در این هفتاد سال تدبیر فرمایند که مانند اوراق شکوفه و ازهار در فصل بهار از هبوب نسیم اسحر در کافه‌ی اقطار منثور و از حدّ قیاس و موازنه با آثار سایر انبیا علیهم السّلام غیر میسور است بل فقط در خطب و الواح و اجوبه و محاضرات حضرت مولی‌العالمین در این مسافرت به اقطار واسعه‌ی اروپا و آمریکا که در مجامع و محافل و کنائس و مدارس به خواهش و رجای اکابر فلاسفه و حکما و قسوس و زعما از قلم و لسان اقدس سمت نزول و ظهور یافت، تدبیر کنند و با آثار سلف قیاس نمایند، نه فرق فیما بین دو حرف و بیست و پنج حرف ظاهر شود و یا قیاس واحد و سبعین واضح گردد، بل فرق فیما بین نقاط رذاذ خفیف و هطول امطار و ابل جلوه نماید و با تفاوت فیما بین تراوش سرچشمه‌ی کوچک و تموج و هیجان بحر متلاطم زخار در انظار و ابصار تجلی فرماید، چنان که با اینکه این سفر مبارک تقریباً دو سال زیاده امتداد نیافت مجلّدات عدیده از بیانات مبارکه به السنه‌ی فارسیّه و عربیّه و انگلیسیّه و فرانسویّه منتشر و مطبوع گشته است و در جمیع ممالک شایع و ضایع شده است و این بیانات قدسیّه نه به تفکر و رویّه و یا به فرصت و تعمق ظاهر می‌شد، حاشا و کلاً، بل فی کلّ الاحوال برسبیل بدهت و ارتجال و فوریت و قدرت و استقلال نازل می‌گشت. زیرا زائرین و وافدین مجال و وقت فراغت و استراحت و تفکر و تعمق در مسائل برای وجود اقدس باقی نمی‌گذاشتند و در هر حین چه از ایران و هند و سایر بلاد فرنگستان و آمریکا نفوس محترمه‌ی عدیده از ممالک بعیده وارد می‌شدند و رجای

مشرّف شدن می نمودند و حلم و رأفت مطلع امرالله هم البتّه مانع بود که آنها را محروم نماید و به تعلل و تساهل بگذارند. این بود که نه صبح و نه ظهر و نه عصر و نه شام مجال راحت برای وجود علیل نحیف آن مظهر رأفت و رحمت باقی می ماند تا وقت تفکر بیابند و فرصت تعمّق و تدبّر بجویند و هریک از بزرگان هم که مشرّف می شدند و یا در مجامع طالب نطق و خطابه می گشتند از مسائل غامضه ی لاهوتیّه و یا معضلات مطالب دینیّه و یا دقایق کیفیت رفع مصائب هیأت جامعه ی انسانیّه سؤال می نمودند و جواب می شنیدند و غالب آنها سرشار و مستبشر رجعت می نمودند و اقلّ قلیلی که عادتاً مذعن نمی شدند ساکت و مقهور و غیرقادر بر رد و ایراد مشهود می گشتند و اکثری که مذعن و مستبشر مراجعت می نمودند شرح مشهودات خود را در مجلات علمیّه و یا جرائد مهمّه با رسم و شمایل و تاریخ ایام حیات اقدس مطبوع و منتشر می داشتند و معنی آیه ی « یوم نبعث فی کلّ امة شهیداً علیهم من انفسهم» را که در سوره ی مبارکه ی نحل نازل شده است واضح و آشکار می نمودند، ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و الله واسع علیم. این آثار ظاهره ی مکشوفه ی ظهور اعظم ابهی است که عرض شد و اثباتش برای هرکس سهل و آسان است. اما آثار باطنیّه ی این ظهور اعظم ابهی که در عوالم مادیّه ظاهر شده، تفاوت آن نیز با آثار باطنیّه ی ظهورات ماضیّه کالشمس فی وسط السماء واضح و هویداست، زیرا آثار ظاهره از طلوع شمس هدی مانند اثرات بارزه از شمس سما دو قسم است، قسمی آنست که عموم ناس آن را ادراک می نمایند، و قسم دیگر آنست که جز نفوس بالغه از ادراک آن عاجزند. مثلاً انوار فائضه از شمس سما را هر بصری می بیند و لکن تأثیرات خفیّه ی آن را در بسط و نشر ذرات حبه در بطون موالید ثلثه و غیرها جز نفوس عالمه ی نبییه ادراک ننماید، کذلک آثار بیانیه ی مظاهر امرالله را همه کس می بیند و لکن از ادراک تأثیر ظهورشان در عالم کون و تغییرات حاصله در عوالم مادیّه و نشر معارف راجعه به آن عاجزند و از رؤیت آن قاصر. این از جمله مسلمیات فلاسفه است که ظهورات حضرت کلیم و مسیح وخاتم الانبیا علیهم التّحیه و التّناء، موجب تغییرات کلیّه ی ممالک بل کره ی ارض گردید و ظهورشان عالم را صورت جدیده بخشید و علوم مادیّه را از دیداد و وسعت حاصل گردید، و چون بر این مقدمه ی دقیقه که ناچار به اختصار عرض شد اطلاع حاصل فرمود، معروض می دارم که آغاز تأسیس بشریّت الی ورود یوم الله و الظهور الاعظم لازال معارف و علوم مادیّه که راجع به عمار عالم جسمانی است از قبیل علوم فلسفیّه و ریاضیّه و ادبیّه و غیرها و فروع آن از صنایع و فنون و مهن در قوم مخصوص و مملکت مخصوصه محصور بود و سایرین از آن بی بهره بودند و در حالات جهل و استعباد زندگی می نمودند. مثلاً وقتی ممالک هند که مطلع دیانت برهمیّه است مشرق انوار علوم و فضائل و مرکز انتشار فنون و صنایع بود و السنه ی اروپیه از لسان سنسکریت که یکی از شعب لسان آری است تولّد نمود و مدنیّت از آن قوم برومانیان سرایت فرمود و سایر قطعات عالم از قطعات اروپا و آسیا و آفریقا و غیرها گمنام و ساقط المقام بودند و در حالت جهالت و همجیّت زندگی می نمودند و زمانی ممالک و ادالئل مرکز جلیل علوم و معارف بود و شکر فنون و صنایع مصر دل از اهل عالم می ربود و ندای صولت فراغنه ارکان سایر ممالک را مرتعش می نمود، و هنگامی کشور ایران در شهنشاهی دولت عظیمه ی کیان در فنون علوم و معارف نوربخش جهان بود و ابراهیم زردشت از این کشور سامی قیام فرمود و سایر ممالک عالم در ظلّ عبودیّت این دولت زندگانی می نمودند و به اتّباع آنان افتخار می کردند و هكذا وقتی امتّ آشور و وقتی امتّ کلدان نامور بودند و اهل بابل و نینوا افاضه ی علم و فن به عالم می نمودند، تا اینکه نوبت به یونان رسید و علوم و فنون فلاسفه ی آن ملک و فتوحات اسکندر کبیر به ممالک عظیمه بالغ گردید و از بزرگواری یونان دیری نگذشت که نضحت وحی او ملک حجاز ساطع شده و مملکت عربیّه و دیانت اسلامیّه تأسیس یافت و اشعه ی علوم و معارف به سعی خلفای شام و عراق و مصر و اندلس نصف کره ی ارض را منور نمود و فتوحات عرب ممالک و دول عظیمه را خاضع و مطیع ساخت. از دولت اسلام نیز قرونی چند بیش نگذشت که اشعه ی علوم و فنون فرنگستان ساطع و افتاب علم و مدنیّت از مغرب طالع و از سایر ممالک بالکل متواری و غارب گشت، رایب قدرت و شوکت دول غریبه ارتفاع یافت و آیت مدنیّت

مادیّه باهر و قاهر شد و جهل و استعباد در سایر بلاد شیوع و عمومیت پذیرفت، هکذا جرت الامور فیما مضی من الدهور. و بالجمله این حال انحصار علوم بود در احقاب ماضیه و دهور غابره که در غایت اختصار عرض شد. اما در این قرن انور اکرم و میعاد اقدس اعظم که قرن طلوع آفتاب هدی و یوم ظهور جمال اقدس ابهی عزّ اسمه الاعلی است، ملاحظه فرما که چگونه نشر علوم عمومیت یافته و رایات تعمیم فنون بر کافه ی ممالک خافق گشته است به نوعی که نه فقط امم قدیمه از قبیل اهل هند و چین و ترک و تاتار و از غرب یونان و صرب و بلغار و امثالها به اهتزاز آمده و در نشر و تعمیم معارف به ید قوم خود ساعی گشته اند، بل ممالک همجیه و امم وحشیّه از قبیل عبید سودان و بربرستان و مجاهل آفریک و آمریک و امثالها همه به هوش آمده و در فتح مدارس و تأسیس مجالس و نشر فضائل و بثّ معارف قیام و اقدام نموده اند، به نوعی که خالی از مبالغه می توان گفت که جمیع ساکنین کره ی ارض با وجود اختلافات من جمیع الجهات در لزوم نشر علوم متفق الرأی و متحد الکلمه گشته اند و این از اعظم براهین طلوع شمس حقیقت است و اتمّ دلایل ورود ایام الله و قیام ساعت، و این نکته در نبوات و بشارات کتب سماویّه ی عتیقه نیز وارد و نازل گشته است. مثلاً ملاحظه فرما در اصحاح دوازدهم سفر دانیال نبی 4 که مورّخاً مبشّر به ورود یوم المنتهی و قیام جمال اقدس ابهی و خلاصی آل اسرائیل و ذریّه ی حضرت خلیل از ذلت کبری و مصائب عظمی است بر حسب ترجمه ی عربیّه ی مشکواه مطبوعه در دارالعلوم آکسفورد در سنه ی 1890 میلادی پس از بشارت به قیام مظهر امرالله در عدد چهارم آن می فرماید: « و اما انت یا دانیال فاحفح الکلام و اختم السفر الی وقت التّهایة کثیرون یتصفّحونه و المعرفه تزداد» و در عدد دهم آن می فرماید: « کثیرون یتطهرون و بیبضون و یمحصون اما الاشرار فیفعلون شراً ولایفهم احد الاشرار لکنّ الفاهمون یفهمون»، یعنی اما تو ای دانیال کلام را پنهان کن و کتاب را تا ورود یوم منتهی مهر کن و مختم فرما و وقتی که بسیاری از آن جستجو نمایند و تصفّح کنند و معرفت و دانش بسیار گردد، بسیاری پاک و روی سفید و خالص خواهند شد، اما اشرار و بدکاران به شرارت اشتغال جویند و لذا از فهم و ادراک آن محروم گردند، ولكن اهل فهم و دانش به فهمیدن و ادراک آن فائز شوند انتهی، و از این قبیل عبارات در صحف انبیا علیهم السّلام بسیار است ولكن نظر به لزوم اشتغال بما هو اوجب و اهمّ و هو اطاعة امر حضرت مولی العالم از استیفای کلام در این مقام معذرت می طلبم و رجای سماح می نمایم و خلاصه القول اینست که بعضی معنای حدیث شریف در تمثیل بعبارت بیست و هفت حرف که این عبد جسارت به عرض نمود و انطباق آن را بر مجاری امور در این ظهور معلوم داشت، ولی یا حبیبی العزیز جای حیرت است که با اینکه اراده الله و قضائیه مطلع سه نیرّ مُشرق بازغ ساطع النور که ورود ایام الله به آن منصوص و در صحف سماویّه مقررّ و مسطور است افق منیر ایران واقع شد و زلال علوم و معارف سماویّه که مورد حیات حقیقیّه و مصدر قوّت و قدرت الهیّه است از آن ارض مینونشان جریان یافت، هنوز اکثری اهالی آن مملکت در ظلمت بُعد واقف و قائمند و در مفازه ی وهم و غفلت سرگردان و عطشان و هائم، با آنکه خاتم انبیا علیه و آله اطیب التّحیة و الثّناء در مواضع عدیده اهل اسلام را خاطر نشان فرموده اند که مطلع انوار علم و دین و ایمان در آخر الزّمان کشور ایران خواهد بود و آفتاب امر جدید و زندگی جاوید از این افق منیر طلوع خواهد فرمود و این نکته در احادیث صحیح که در تفسیر آیات کریمه ی قرآن مجید در کتب معتبره ی اهل تشیّع و اهل تسنّن دارد شده منصوص و مصرّح است و من به ذکر اصل احادیث مبارکه من دون ترجمه این مقاله را به انجام می برم و از تطویل و تفصیل معذرت می طلبم.

اما احادیث ائمّه ی اهل البیت علیهم السّلام در تفسیر صافی از مجمع البیان طبرسی قدّس سره روایت می فرماید:

« لَمَّا نَزَلَتْ فِي سُورَةِ النَّسَاءِ وَ ان يَشَاءُ يَذْهَبْكُمْ وَ يَأْتِي بِأَخْرِينَ ضَرْبِ النَّبِيِّ يَدُهُ عَلَى ظَهْرِ سُلَيْمَانَ وَ قَالَ هُمْ قَوْمٌ هَذَا» و این حدیث را یاقوت در ترجمه ی لفظ فارس در کتاب جغرافی خود، معجم البلدان، نیز روایت نموده است، یعنی سنی و شیعی هر دو در روایت این حدیث اتفاق نموده اند و حدیث مشهور که در صحیح بخاری مأثور است کمتر کسی است از اهل علم که آن را نشنیده باشد حیث قال الرّسول علیه السّلام: « لو كان العلم في الثريا لتناولته ایدی رجال من فارس» و در کتاب مصابیح

السنة كه جامع احاديث صحاح سته است و در باب جامع المناقب به سند صحيح وارد است: انّ الرسول الله صلى الله عليه و آله تلى هذه الآية من سورة محمد ان تتولوا يستبدل قوماً غيركم ثم لا يكونوا امثالكم و قالوا يا رسول الله من هؤلاء الذين ان تولينا استبدلوا بنا ثم لا يكونوا امثالنا فضرب على فخذ سلمان الفارسي ثم قال: هذا و قومه و لو كان الذين عند الثريا لتناولهم رجال من الفرس و قال صاحب مصابيح السنة في هذا الباب ايضاً مسنداً الى راوى الخبر انه قال كنا جلوساً عند النبي صلى الله عليه و سلم اذ نزلت سورة الجمعة فلما نزلت هذه الآية و آخرين منهم لما يلحقوا بهم قالوا من هؤلاء يا رسول الله فوضع النبي يده على سلمان ثم قال: لو كان الايمان بالثريا لنا له رجال من هؤلاء. انتهى

در اين مقام كلام را به انجام مي برم و بيدار شدن ايرانيان را از اين كابوس ثقيلاً از پيشگاه حضرت ربّ جليل مسألت مي نمايم. در يوم 19 شهر رمضان المبارک سنه 1331 هجريّه در ضواحي مدينه ى اسكندريّه ابوالفضل قلمي نمود.

منبع: رسائل و رقائم جناب ميرزا ابوالفضائل گلپايگانی نوشته روح الله مهرباخانی صفحه 29

[www.Vaselan.org] [www.Abolfazael.org]